



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۱/۱۲/۱۰

ف، هیرمند

تتبعی پیرامون "اعلامیه اسلامی حقوق بشر"

تقریباً هر سال طی نوشته ای از "اعلامیه جهانی حقوق بشر" که به تاریخ ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸ م صادر گردیده، یادی آوری به عمل می آورم، امسال خواستم به همین بهانه "اعلامیه اسلامی حقوق بشر" را به معرفی بگذارم، اگرچه که تاریخ صدور "اعلامیه اسلامی حقوق بشر" با تاریخ صدور "اعلامیه جهانی حقوق بشر" متفاوت است زیرا اعلامیه اسلامی تقریباً ۴۱ سال دیرتر از اعلامیه جهانی، اصدار یافته است.

لازم به تذکر است که در این تتبع صرف نظرات محققان، حقوقدانان، موارد و مطالبی که برای معرفی و شناخت این سند مهم، لازم بوده است، گرد آوری شده است بدون تصرف در متن نظرات دیگران و بی آنکه نقاط نظر شخصی این قلم در آن گنجانیده شده باشد.

در فهرست "حقوق بشر در اسناد بین المللی" سند مهمی وجود دارد که کمتر به آن آشنایی صورت گرفته است و یا این سند شاید کمی ناشناخته مانده باشد، در حالیکه اسم آن در ردیف اسناد حقوق بشری درج بوده و از سوی یک موسسه بین المللی (کنفرانس کشور های اسلامی) تصویب نیز گردیده است، این سند چگونه و در چه مسیر و حالاتی تصویب شد...؟

در سال های دهه ۸۰ بعضی از ممالک اسلامی نظیر جمهوری اسلامی ایران، سودان و عربستان سعودی، انتقاد های بر "اعلامیه جهانی حقوق بشر" داشتند؛ بدین شرح که محتوای مفاد آنرا جانبدارانه و به نفع غربی ها بازشناسی می نمودند. حتی عده ای مدعی بودند که اعلامیه جهانی حقوق بشر یک پدیده غربی است، نماینده جمهوری اسلامی ایران در سازمان

ملل متحد در سال ۱۹۸۱ ارزش های مندرج اعلامیه جهانی حقوق بشر را انتقاد نموده و آنرا پدیده مسیحیان و یهودیت خواند. در مشاجرات لفظی و ایدیولوژیک زمان "جنگ سرد" میان بلوک شرق (شوروی سابق، متحدین او، چین کمونیست و...) که با غرب رقابت و مبارزه ایدیولوژیک را به پیش می بردند، تقریباً عین انتقاد را بر اعلامیه جهانی حقوق بشر وارد میکردند.

اما برخی از دانشمندان سیاست شناس و حقوقدان، منبعه و سرچشمه اینهمه انتقاد ها بر علیه اعلامیه جهانی حقوق بشر را اختلافات ایدیولوژیک و سیاسی تشخیص می نمودند، بالخصوص انگشت را به سوی جمهوری اسلامی ایران نشانه می گرفتند که در مورد این مسئله برخورد سیاسی داشت و در مباحث آن مسایل غلیظ سیاسی را نیز خلط می نمود.

همان است که در آغاز دهه ۹۰ مساعی بعضی از کشور های اسلامی جهت طرح و صدور یک اعلامیه جداگانه حقوق بشر اسلامی به راه افتاد.

پروژه یا مسوده یک سند در سال ۱۴۱۰ ه ق یا ۱۹۸۹ میلادی در ۳۲ ماده به کنفرانس کشور های اسلامی در تهران ارائه شد، اما بنابر بحث های جدی پیرامون مواد آن پروژه و تفاوت های نظر بعضی از نمایندگان به تصویب نهایی نه رسید. بالاخره این مسوده در کنفرانس کشور های اسلامی منعقد قاهره در مصر مورد مباحثات سازنده و جدی قرار داده شد؛ که

۳۲ ماده قبلی به ۲۵ ماده تلخیص و اصلاح شده و بخشی از نص مواد مسوده قبلی در مواد دیگر آن جایجا گردید و در نهایت به تاریخ ۱۴ ماه محرم ۱۴۱۱ ه ق مصادف با پنجم ماه اگست ۱۹۹۰ تحت سرنامه «اعلامیه اسلامی حقوق بشر» به تصویب نوزده همین کنفرانس وزرای خارجه کشور های اسلامی رسید، این سند به نام های "اعلامیه اسلامی حقوق بشر"، "اعلامیه حقوق بشر اسلامی" و نیز "اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر در اسلام" نیز یاد می شود. تسوید و تصویب

این معاهده، کمی زمانگیر نیز بوده است

حقوق انسان و آزادی های اساسی او در نظام حقوق بشری اسلامی جایگاه نامشخص و ضعیفی ندارد طوری که ملاحظه خواهد شد، اصولی را که علمای اسلام در اعلامیه گرد آورده اند با تعابیر متعصبانه، بعضاً ایدیولوژیک و سیاست زده از ماهیت حقوق انسان در نظام حقوقی اسلامی خیلی مغایر و متفاوت است، متقابلاً عده ای بر این باور اند که این اعلامیه دارای معایبی هم خواهد بود.

در سال ۱۹۹۰ اعلامیه قاهره در باره حقوق بشر اسلامی از سوی کمیسیون وقت حقوق بشر سازمان ملل متحد (شورای حقوق بشر فعلی سازمان مذکور) مورد تأیید قرار نه گرفت.

یکی از استادان علوم اسلامی ایران به نام "سید حسن اسلامی" مقاله ای دارد زیر عنوان "اعلامیه اسلامی حقوق بشر و مسئله نابرابری ها" که در آن می نویسد:

«اعلامیه اسلامی حقوق بشر، مهم ترین پاسخ رسمی کشورهای اسلامی به اعلامیه جهانی حقوق بشر به شمار می‌رود و تلاش شده است تا بر اساس آن متنی دارای فوائد آن اعلامیه و در همان حال تهی از نقائص آن به دست داده شود. با این همه، خوانش دقیق این اعلامیه، ما را در تحقق این اهداف مردد می‌سازد. در این نوشته، پس از مقدمه کوتاه از تاریخچه شکل‌گیری و مواد این اعلامیه، مواردی که با مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر ناسازگار است و برخی از نابرابری‌ها را به رسمیت شناخته، گزارش و ادله موافقان و مفسران آن نقل و تحلیل شده است. به نظر می‌رسد که اعلامیه اسلامی حقوق بشر، به عنوان متنی جهانی که در پی تأمین حقوق بشر است، سه دشواری اساسی دارد: اول، تأیید ضمنی برخی نابرابری‌ها بر اساس دین و جنسیت، دوم، به دست دادن مرجع تفسیری سیال و لغزنده. سوم، نداشتن ضمانت اجرا. این سه مسئله موجب شده است تا اعتبار این اعلامیه، عملاً به تعدادی توصیه‌های اخلاقی غیرالزامی، فروکاسته شود...»

از فحوای برخی نوشته‌ها در باره اعلامیه مورد بحث چنین درک می‌شود که دقیقاً اصولی که در زیر چتر آن اعلامیه اسلامی حقوق بشر مورد تفسیر و تأویل قرار داده شود، خیلی‌ها سیال و متنوع اند، بالخصوص تنوع قواعد و ارزیابی‌ها این سیالیت را به وضوح قابل دید می‌سازد، گرچه که در نوشته‌های مربوط به موضوع مورد بحث، از اتفاق نظر کامل طراحان اعلامیه یاد شده است، اما بدون شک دریافت "استاد سید حسن اسلامی" از سیالیت مرجع تفسیر، خصالت همگانی بودن و عمومیت مفاد اعلامیه را تحت تأثیر قرار میدهد، زیرا استنباط از اصول شرعی نزد هر کدام از تمایلات گونه‌گونی دارد که تطبیق عام و یک‌سان مفاد اعلامیه را مخدوش ساخته و نوعی تطبیق عملی آنرا به شکل موضوعی و موضعی و حوزه‌ی تغییر میدهد و این باعث خواهد شد تا معنی همگانی و عمومی "حقوق بشر" در عنوان اعلامیه را تحقق نه بخشد. بعضی هم زمان توجه و انتخاب به طرح و صدور این اعلامیه را مورد پرسش قرار میدهند.

با این همه تذکرات، تا حال کمتر کشور اسلامی به این اعلامیه توجه جدی داشته است و اکثر این ممالک (به شمول جمهوری اسلامی ایران) به دو میثاق مهم بین المللی حقوق بشری (میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب سال ۱۹۶۶ اسامبله عمومی سازمان ملل متحد) پیوسته اند که حقوق انسان‌ها را خیلی فراتر از مندرجات اعلامیه مورد بحث گسترانیده است، در این کشورها کمتر کدام مورد، معامله و اقدامی را می‌توان دید که به مندرجات اعلامیه حقوق بشر اسلامی استناد داده شده باشد.

در باره "ضمانت اجرایی" اینکه اگر کشوری مندرجات اعلامیه حقوق بشر اسلامی را رعایت نمی‌کند چه عکس العملی در برابر آن به عمل آید، موضوعی است که ایجاب تحقیق جداگانه را می‌نماید.

نخستین رئیس جمهور اسلامی ایران، مرحوم ابوالحسن بنی صدر کتابی نوشته زیر عنوان "حقوق بشر در اسلام" که چاپ دوم آن در سال ۱۹۸۹ م به عمل آمده است در این کتاب از متن یک مسوده یاد گردیده است که شاید همان مسوده اولی مطروحه در تهران باشد، موصوف در کتابش نتیجه می‌گیرد که تمام مواد اعلامیه جهانی حقوق بشر در اعلامیه حقوق بشر اسلامی (همان مسوده نخستین در تهران) مندرجند و از نگاه او گاهی هم در این اعلامیه دومی مواد بیشتری علاوه شده اند که در اصول اسلامی به چشم نمی‌خورند و بر دانشمندان توصیه نموده است که ریشه‌های این مواد اخیر را تتبع و دریابند.

علی‌الرغم این همه مباحث، این سند در جمله اسناد حقوق بشری بین المللی ثبت بوده و تیولوژیست‌ها و علمای دینی دست اندر کار اعلامیه ممالک عضو سازمان کنفرانس اسلامی آنرا ارزیابی نموده و درغنی سازی آن سهم گرفته اند. اعلامیه از حقوق فردی، مصونیت‌های فردی حیات، حقوق فامیل، مسکن، ملکیت، اخلاقیات، اعتقادات، آزادی رسانه‌ی، حکومت انتخابی، رد استعمار، سلطه ملل مسلمان بر منابع طبیعی شان و... متذکر شده است.

برخی از محققان را عقیده بر این است که وقتی به مواد و مفاد اعلامیه اسلامی حقوق بشر به دقت نگاه عمیق انداخته شود، ملاحظه خواهد شد که در این اعلامیه مواد و مفاد زیادی هم اند که انفاذ و تحقق آن در بعضی از کشور های اسلامی استبداد زده و مختلق غنیمتی شمرده می‌شوند، چه با تطبیق مواد آن، حاکمیت های آن ممالک متوجه این امر می‌گردند تا حدودی از حقوق بنیادی و اساسی مردم شان مواظبت بنمایند و در حراست از حقوق اساسی و انسانی بندگان خدا خویش را مسئول دانسته و آن حقوق را حرمت گذاشته و مراعات کنند.

به طور نمونه چند ماده از اعلامیه مورد نظر در این جا یاد آوری می‌گردد :

«ماده یک :

الف (بشر به طور کلی، یک خانواده می‌باشند که بندگان نسبت به خداوند و فرزندی نسبت به آدم آن‌ها را گرد آورده و همه مردم دراصل شرافت انسانی و تکلیف و مسؤولیت برابری بدون هر گونه تبعیضی از لحاظ نژاد، یا رنگ یا زبان یا جنس یا اعتقاد دینی یا وابستگی سیاسی یا وضع اجتماعی و غیره. ضمناً عقیده صحیح، تنها تضمین برای رشد این شرافت از راه تکامل انسان می‌باشد...)

ماده دوم:

الف (زندگی موهبتی است الهی و حقی است که برای هر انسانی تضمین شده است، و بر همه افراد و جوامع و حکومت‌ها واجب است که از این حق حمایت نموده و در مقابل هر تجاوزی علیه آن ایستادگی کنند و جایز نیست کشتن هیچ کس بدون مجوز شرعی.

ب (استفاده از وسیله‌ای که منجر به از بین بردن سرچشمه بشریت به طور کلی یا جزئی گردد، ممنوع است.

ج (پاسداری از ادامه زندگی بشریت تا هر جائیکه خداوند مشیت نماید، وظیفه ای شرعی می‌باشد.

د) حرمت جنازه انسان باید حفظ شود و بی احترامی به آن جایز نیست کما این که جایز نیست لمس کردن آن مگر با مجوز شرعی. و بر دولت است حمایت از این امر.

ماده نهم:

الف (طلب علم یک فریضه است و آموزش یک امر واجب است بر جامعه و دولت، و بر دولت لازم است که راهها و وسایل آن را فراهم نموده و متنوع بودن آن را به گونه ای که مصلحت جامعه را بر آورد، تأمین نماید و به انسان فرصت دهد که نسبت به دین اسلام و حقایق هستی معرفت حاصل کند و آن را برای خیر بشریت بکار گیرد...)

ماده یازدهم:

الف (انسان آزاد متولد می شود و هیچ احدی حق به بردگی کشیدن یا ذلیل کردن یا مقهور کردن یا بهره کشیدن یا به بندگی کشیدن او را ندارد، مگر خدای تعالی.

ب (استعمار به انواع گوناگونش و به اعتبار این که بدترین نوع بردگی است، شدیداً تحریم می شود و ملت هایی که از آن رنج می کشند حق دارند از آن رهایی یافته و سرنوشت خویش را تعیین کنند. همه دول و ملل نیز موظف اند از این گروه در مبارزه علیه نابودی هر استعمار و اشغال یاری نمایند. همه ملت ها نیز حق حفظ شخصیت مستقل و سلطه خود بر منابع و ثروت های طبیعی را دارند.

ماده شانزدهم:

... **ج (دولت مکلف است حق هر انسانی را در زندگی شرافتمندانه ای که بتواند از طریق آن میحتاج خود و خانواده اش را بر آورده سازد و شامل خوراک و پوشاک و مسکن و آموزش و درمان و سایر نیازهای اساسی می شود تضمین نماید.**

ماده هجدهم:

الف (هر انسانی حق دارد که نسبت به جان و دین و خانواده و ناموس و مال خویش، در آسودگی زندگی کند.

ب (هر انسانی حق دارد که در امور زندگی خصوصی خود (در مسکن و خانواده و مال و ارتباطات) استقلال داشته باشد و جاسوسی یا نظارت بر او و مخدوش کردن حیثیت او جایز نیست و باید از او در مقابل هر گونه دخالت زورگویانه در این شؤون حمایت شود.

ج (مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنین آن یا به صورت غیر مشروع وارد آن شد، و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنینش را آواره نمود...)
متن کامل اعلامیه حقوق بشر اسلامی به نشر گذاشته خواهد شد.

پایان